ارزیابی ژئو پلیتیک بازارهای گاز طبیعی ایران

دریافت مقاله:۸۹/۸/۱ پذیرش مقاله: ۸۹/۱۱/۲۰
صفحات: ۲۵-۷

یدالله کریمی پور: دانشیار جغرافیای سیاسی دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه تربیت معلم تهران
Email: a_karimipoor@yahoo.com

چکیده

این مقاله با شیوه بررسی توصیفی، تحلیلی، در گام نخست از دیدگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک بازارهای گاز طبیعی جمهوری اسلامی ایران را مورد ارزیابی قرار داده است. آن گاه پس از اشاره ای زودگذر ولی حساس بر نقش گاز طبیعی دراقتصاد انرژی تا چشم انداز ۲۰۳۰، تنگناها و مسایل ایران به عنوان دومین دارنده ذخیره گاز طبیعی جهان برای دستیابی به برتری یا دست کم نفوذ پایدار در بازارهای شبه قاره چین ، خلیج فارس، ژاپن و کره جنوبی باز خوانی شده‌اند. از این دیدگاه ، کوشش های ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به بازار شبه قاره که درقالب خط لوله صلح اجرایی شده است، می توانست در قالبی با تمرکز ناچیز و راهبردی ضعیف پیگیری شود. همچنین بر پایه‌ی دستاوردهای این پژوهش، راهبرد تصمیم سازان تهران برای نفوذ در بازار گاز مایع کره و ژاپن و نیز بازار گاز طبیعی چین، با چند چالش زمانبر روبرو است. بازار خلیج فارس نیز اگر چه زنده وپویا است، اما استراتژیک محسوب نمی شود. این در حالی است که اروپا در بر دارنده بیشترین شاخص های یک بازار استراتژیک و پایدار است. اما ایران می بایست از کشوری وارد کننده گاز طبیعی به کشوری صادر کننده تبدیل شود.

کلید واژگان: بازار گاز طبیعی، بازار گاز مایع، خط لوله صلح، نابوکو، چالش های ژئوپلیتیک

مقدمه

از دو دهه ی پیش تاکنون ،گفتمان ژئوپلیتیک وژئواستراتژی آرام آرام به سوی مفاهیم ژئواکونومیک به ویژه مفاهیم مرتبط با انرژی و سوخت های فسیلی کشیده شده است.در این راستا، ژئوپلیتیک انرژی از دو دیدگاه مورد توجه بوده است:نخست پیامدهای فراوان زیست

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

محیطی این نوع سوخت ها و دوم بازار انرژی.در این میان گاز طبیعی (CNG) و گاز مایع (LNG) به اعتبار نقش کمتری که در آلوده سازی دارند بیش از پیش در کانون توجه سیاست انرژی اتحادیه اروپایی و خاور دور پیشرفته بودند .در این میان صادر کنندگان بزرگ گاز نیز برای دستیابی به بازارهای امن،پایدار ،غنی و کم هزینه ،رقابتی فشرده دارند.زیرا بر خلاف بازار نفت خام ،به دلیل پراکنش جغرافیایی گسترده تر و نیز رشد روز افزون تولید،رقابت میان صادرکنندگان به شدت در جریان است .

در همین راستا جمهوری اسلامی ایران به عنوان دومین دارنده جهانی ذخایر گاز ،در جهت چند وجهی سازی درآمدهای ارزی و کاهش وابستگی همه جانبه به درآمدهای فروش نفت و نیز عقب نماندن از دولت قطر در میدان مشترک پارس جنوبی ،دستیابی به بازار بزرگ و راهبردی را به عنوان بازار هدف می بایست در دستور کار قرار دهد .

ایران ناگزیر است در مقیاسی استراتژیک راهی به بازارهای جهانی گاز طبیعی بگشاید. این گریز ناپذیری را می توان در معادله ای چهاروجهی، در عین حال ساده و روشن یافت:

۱- وابستگی کلان ایران به درآمد های ارزی فروش نفت، اقتصاد این کشور را آسیب پذیر و در معرض نوسان های بهای جهانی این کالا قرار داده است. دهها سال است، دولت ها از گوناگون ساختن درآمدها و چند وجهی کردن نیازهای ارزی و رهایی از وابستگی نزدیک به مطلق به نفت خام سخن گفته اند.

۲- ایران پس از روسیه با ذخیره BCM[1] ۲۷۵۸۵یا tcf[2] ۹۷۴، دومین کشور دارای ذخایر گاز طبیعی جهان (Ela,2008) است؛ اما هشتمین تولید کننده جهانی این فراورده به شمار می رود (ربیع گیلانی ، ۱۳۸۸). در حالی که عمر میدان های نفتی به نیمه دوم خود رسیده است، عمر ذخایر گاز طبیعی ایـــران با روند تولیـــد کنونی، دست کم ۲۰۰ سال خواهد بود (Bilgin, 2009).

تولید نفت ایران در سال های پیش روی، به دلیل افت فشار، ورود چاه های نفت به نیمه دوم عمر خود و افزایش مصرف داخلی، سالیانه به طور متوسط ۱۰٪ کاهش خواهد یافت. چنان که سقف تولید و صدور نفت ایران در سه سال اخیر، کمتر از سهمش در اوپک بود (مرکز پژوهش های مجلس ، نقل از BBC.Persian).

---

[1] -BCM میلیارد متر مکعب. واحد اندازه گیری گاز، اغلب برای صادرات و واردات.

[2] -Tcf= تریلیون فوت مکعب، یک Tcf بیش از ۲۸ برابر یک BCM است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

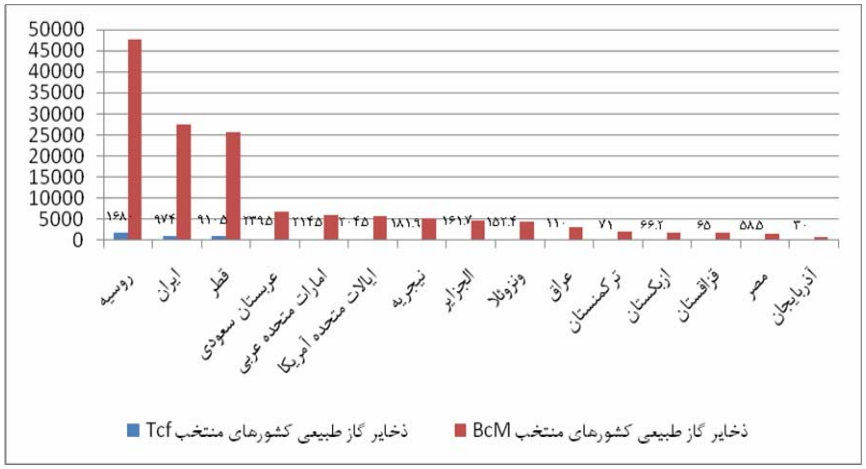

شکل (۱) نمودار ذخایر گاز طبیعی کشورهای منتخب (Source: EIA, 2008. International Natural Gas Resources)

۳- بر پایه برآوردهای معتبر جهان، دست کم تا سال ۲۰۳۰ ، شاهد افزایش چشمگیری در افزایش تقاضای انرژی به ویژه گاز طبیعی (Eurogas, 2007) خواهد بود. حتی گفته شده است که مصرف جهانی گاز طبیعی تا سال مورد نظر، دست کم دو برابر خواهد شد .ITan) .IGC, 1385)

هر چند بازار گاز طبیعی در سال ۲۰۰۹ در رکودی بی سابقه بود و بهای هر Btu در بازار ایالات متحده در ماه جولای ۲۰۰۸، از ۱۳ دلار به ۳ دلار و ۳۰ سنت در جولای ۲۰۰۹ رسید، اما برآوردها حاکی از آن است که روند افزایش مصرف و تولید و بهای جهانی این ماده استراتژیک، از نیمه دوم ۲۰۱۰، به حالت عادی بازخواهد گشت (Korchemkin 2009). دلیل چنین برآوردی روشن است: جهان پیشرفته در جهت کاهش دادن گازهای گلخانه ای، بهره برداری از گاز طبیعی به جای نفت خام را کانون توجه قرار داده است. کاستن مالیات در سه منطقه عمده کشورهای عضو OECD[1] برای کاربران صنایع گازبر به جای دیگر انواع سوخت های فسیلی، در همین راستا بوده است. با درک چنین چشم اندازی است که تصمیم گیران جمهوری اسلامی ایران از دو دهه گذشته طرح و برنامه هایشان را (هر چند دیر) برای افزایش

[1] .OECD: Organization for Economic co – operation and Development.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

تولید گاز طبیعی و حضور در بازارهای بین المللی سر و سامان داده اند. پافشاری بر اجرای طرح خط لوله صلح، در همین راستا بود.

در سده بیستم، مرحله گذار از سوخت و انرژی ذغال سنگ به نفت خام، روندی خشن، پر از توطئه و حتی در برگیرنده جنگ و کودتا بود. چنین فضایی به دلیل ناهمپوشی فضاهای مصرف و تولید نفت خام و نیز پراکنش قطبی میدان های بزرگ نفت خام در خلیج فارس و شمال آفریقا بوده است. اما به نظر می رسد ورود گاز طبیعی به سبد انرژی جهانی و نیز روند رو به گسترش تقاضای آن در بازارها، نه تنها با آرامش همراه است، بلکه این تولید کنندگان هستند که در پی دستیابی به بازارهای مناسب و پایدار (Eurogas, 2008) مصرف هستند. به طوری که حجم ذخایر تثبیت شده گاز طبیعی در جهان تنها در سه دهه گذشته، سه برابر شده است. همچنین تولید و عرضه آن در خاورمیانه، آفریقا و آمریکای مرکزی از ۹ سال پیش تاکنون، ۱۰۰ درصد افزایش داشته است (Remme; u. 2008).

کوتاهترین و در دسترس ترین راه ایران برای چندوجهی کردن درآمدهای ارزی وکاهش وابستگی خطرناک به درآمدهای نفتی در شرایط کنونی، دستیابی به بازارهای جهانی گاز طبیعی جهانی است. این مقاله، بر آن است با بهره گیری از روش تحلیلی-توصیفی و با استناد به منابع کتابخانه ای، اسنادی و گزارش های نو و دست اول، چالش های جمهوری اسلامی را برای حضور در بازارهای گاز طبیعی ترسیم نماید.

پیشینه پژوهش

مقاله ی «ژئوپلیتیک وابستگی اروپا به گاز طبیعی»، پژوهش دکتر بیلگین که در نیمه نخست ۲۰۰۹ در مجله ی معتبر سیاست انرژی انتشار یافت، نوعی نتیجه گیری منطقی در آشکارسازی وابستگی طبیعی اروپا به گاز ایران به شمار می رود. هر چند این پژوهشگر در سال ۲۰۰۵ نیز طی کتاب «نبردهای اوراسیایی انرژی»، اشاره ای کوتاه و زودگذر به این وابستگی داشت. مقاله های پژوهشی الدر کورچمکین، مددودف، پندیان و ریمی نیز در این زمینه به نوعی راهگشای این پژوهش بوده اند. هم چنین پایان نامه ی مریم ربیع گیلانی با عنوان «بررسی نقشه های ایران در بازار LNG تا سال» که با هدایت دکتر حمید ابریشمی برای دریافت درجه ی کارشناسی ارشد اقتصاد در سال ۱۳۸۸ انجام شده است، در مورد بازار گاز مایع بررسی مناسب و منطقی در زمینه ژئوپلیتیک بازار گاز طبیعی به شمار می رود. با وجود

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

این هیچیک از پژوهش های مورد نظر به طور مستقیم و متمرکز بر ابعاد گوناگون ژئوپلیتیک بازارهای گاز طبیعی از منظر تهران نپرداخته اند.

مساله بزرگ ایران

ایران با BCM ۲۷۵۸۳، دومین کشور دارنده ذخایر گاز جهان است، اما شکاف بزرگ میان میزان مصرف داخلی و تولید، ایران را به یک وارد کننده بزرگ گاز تبدیل کرده است. چنان که طی سال ۲۰۰۷، ایران در برابر میانگین ۱۰۲/۴BCM مصرف روزانه، تنها BCM /۱۰۱ تولید کرد. میزان مصرف نیز در زمستان ۱۳۸۸، ۵۷۰BCM تخمین زده شده است؛ کمبود تولید به نسبت مصرف داخلی با افزایش واردات از ترکمنستان و رساندن آن تا BCM ۳۰ (www.safirnews.com .1388/9/3) یا حتی BCM ۴۲ تامین شد(خبر آنلاین، ۱۶ آذر ۸۸). برپایه اعلام مدیر گازرسانی کشور در ۱۹ آبان ماه ۱۳۸۸، میانگین مصرف روزانه گاز داخلی در این سال، از مرز BCM ۱۴۰ گذشت و ایران را تبدیل به سومین مصرف کننده جهانی گاز طبیعی (shana.ir, 1389) تبدیل کرد.

شکاف موجود میان میزان مصرف و تولید، ایران را با چالش بزرگی روبرو کرده است. کمبود منابع مالی و اعتباری، پایین بودن بهای انرژی داخلی و ارزانی مصرف آن و نیاز به تزریق کلان مقیاس گاز به چاه های نفت، سه چالش پیش روی صنعت گاز ایران هستند. در چنین شرایطی امکان افزایش تولید گاز در کشور اندک است.

در واقع صنعت گاز ایران جهت احیاء جریان گاز در ۳۱۰۰ کیلومتری خطوط انتقال گاز فشار قوی، ۱۶۵۰۰۰ کیلومتر شبکه گاز شهری و روستایی برای گازرسانی به ۷۷۳ کانون شهری، ۸۰۵۴ روستا با حدود ۱۲ میلیون مشترک خانگی و ۲۴۰۰۰ واحد صنفی، تزریق گاز به میدان های نفتی خوزستان و گاز رسانی به ۹۲۰ جایگاه گاز CNG، به منظور تأمین سوخت ۱/۵ میلیون خودرو تا ۱۳۸۸، زیر سخت ترین فشارها است. بنابراین با وجود آن که گاز طبیعی از سوی دولت «محور توسعه ملی» شمرده شده (www.nigc.ir , 1388)، تا آینده ای نه چندان نزدیک، فرصت چشمگیری برای حضور استراتژیک در بازارها و رقابت با سایر صادر کنندگان گاز برای تسخیر بازارهای جهانی وجود ندارد.

بهترین شاهد آن رویدادهای گازی ایران در ۲۰۰۷ بود. در ۱۹ ژانویه ۲۰۰۶، ایران جریان گاز صادراتی به ترکیه را به دلیل افزایش سرمای هوا کاهش داد. ترکیه بیدرنگ این گسستگی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

در تأمین گاز را با افزایش خرید از گازپروم[1] پوشش داد. در این میان اعتبار ایران برای انجام قراردادهایش مورد تردید قرار گرفت. ترکمنستان نیز اواخر دسامبر ۲۰۰۷، به خاطر به نتیجه نرسیدن مذاکراتش با ایران برای افزایش بهای گاز تا ۱۹۵ دلار برای هر MCM، صدور گاز به بخش های شمالی ایران را قطع کرد. این رویداد نیز به نوبه خود بر کاهش بیشتر صادرات ایران تأثیر گذاشت(Wood, 2008) .

مسئله پایه ای صنعت گاز ایران برای برون رفت از این بن بست، به سان چرخه یا زنجیری بسته می ماند. تهران از سویی برای انجام تعهدات بین المللی خویش، نیازمند تولید بیشتر است؛ از سوی دیگر، مصرف بالای داخلی و روند رو به افزایش آن با افزایش اندک تولید سالیانه اش سازگار نیست. برای تولید در مقیاس کلان که پوشش دهنده مصرف داخلی و صادرات باشد، تصمیم سازان سیاست انرژی در تهران، کمبود منابع مالی و اعتباری و دسترسی محدود به فناوری نوین و پیشرفته را پیش روی دارند. به هر روی برای شکستن این زنجیر بسته که به دور تسلسل بی شباهت نیست، تنها یک استراتژی باقی می ماند: دستیابی به بازار های مصرف بزرگ، پایدار جهانی برای ایجاد فشار بزرگ.

حجم و روند سرمایه گذاری خارجی

بر پایه گزارش تحقیقی رویتر، ایران در فاصله سال های ۲۰۰۷ – ۲۰۰۰، حدود ۲۱۸ میلیارد دلار سرمایه خارجی را جذب کرد(reuteres, 2008). چکیده ی گزارش به شرح زیر است:

۱. چین: سرمایه گذاری خارجی کامل چین تا نیمه نخست ۲۰۰۹ در ایران، ۱۰۱/۷۴ میلیارد دلار بود که ۹۶/۷ میلیارد آن به سه بخش نفت، گاز و پتروشیمی اختصاص یافت. بر پایه توافق نامه ۲۰۰۴، حدود ۷۰ میلیارد دلار آن برای توسعه گاز یادآوران باید هزینه می شده است.

۲. فرانسه: سرمایه گذاری فرانسه در ایران تا ۲۰۰۹، دست کم ۲۹/۹ میلیارد دلار بود که بخش هیدروکربنی حدود ۱۸ میلیارد آن را می بایست جذب می کرد. بر پایه قرارداد سال ۲۰۰۰، حدود ۴ میلیارد از این مبلغ برای توسعه فازهای ۹ تا ۱۲ پارس جنوبی باید هزینه می شد.

[1] .Gazprom

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

۳. ایتالیا: سرمایه گذاری خارجی ایتالیا در ایران، ۲۴/۷ میلیارد دلار برآورد شده که ۲۱ میلیارد آن به بخش های نفت، گاز و پتروشیمی اختصاص یافت. ۳/۸ میلیارد برای توسعه فازهای ۴ و ۵ پارس جنوبی سرمایه گذاری شد.

۴. روسیه: از ۳/۸ میلیارد دلار سرمایه گذاری روسیه، ۱۰/۳ میلیارد مرتبط با سه بخش نفت، گاز و پتروشیمی بود. ۱/۶ میلیارد دیگر نیز در سال ۲۰۰۰ به توسعه فازهای ۲و ۳ پارس جنوبی اختصاص یافت.

۵. بریتانیا: از ۱۲/۷ میلیارد دلار سرمایه گذاری بریتانیا در ایران، ۱/۶ میلیارد مرتبط با بخش های نفت، گاز و پتروشیمی و از این مبلغ نیز ۴ میلیارد برای توسعه فازهای ۹ تا ۱۲ پارس جنوبی می بایست به کار می رفت.

۶. آلمان: از ۲۵/۴ میلیارد دلار سرمایه گذاری و اعتبار، ۹/۸۲ میلیارد به سه بخش نفت، گاز و پتروشیمی اختصاص یافت.

۷. ژاپن: از ۱۶/۹ میلیارد دلار، حدود ۹/۹۳ میلیارد دلار به سه بخش نفت، گاز و پتروشیمی اختصاص یافت.

۸. ایالات متحده: تمام ۳/۶ میلیارد دلار سرمایه های آمریکایی برای سه بخش نفت، گاز و پتروشیمی اختصاص یافت. از این حجم سرمایه گذاری خارجی، حدود ۲ میلیارد دلار برای توسعه پروژه LNG تخصیص یافت.

اما ایران برای دستیابی به اهدافش تا ۱۴۰۴، می باید در سال های باقیمانده میزان تولید روزانه خود را به ۱۶۰۰ Bcm برساند که دست کم ۱۶۵ Bcm آن می باید به صادرات اختصاص یابد. به گفته وزیر نفت پیشین ایران، دسترسی به چنین هدفی، نیازمند ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری در بخش نفت و گاز خواهد بود (BBC, Persian, 2009). این در حالی است که در ۴ سال گذشته، حجم سرمایه گذاری های خارجی در سه بخش نفت، گاز و پتروشیمی با کاهشی ۶۴ درصد همراه بوده و از ۴/۳۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۴ به ۱/۵۱۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۷ رسید. به عبارت دیگر در این سال، تنها ۱۷/۵ درصد از هدف های پیش بینی شده در خصوص جذب سرمایه های خارجی تحقق یافت (www.sarmayeh, 88/7/6). با وجود این روند، بر پایه گزارش نشریه بیزینس مانیتور، تا ۲۰۱۸، سقف صادرات سالیانه ایران به Bcm ۱۰۰ خواهد رسید(business monitor, 2009/9/7).

مدیر عامل شرکت صادرات گاز ایران در آبان ماه سال ۱۳۸۶ در این زمینه گفت: ایران برای گاز تولیدی خود اصلاً مشکل بازاریابی و یافتن مشتری ندارد و هر روز با تقاضاهای جدیدی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

روبرو است (www.tabnak.com, 1386). نگاهی تحلیلی به روند چگونگی و نتایج قراردادهای جمهوری اسلامی ایران با دیگر کشورها، در زمینه صدور گاز تاکنون، آشکارا نادرستی این خوش بینی ها را نشان می دهد. همین مواضع سیاسی و بدون بررسی های دقیق علمی و کارشناسانه از جمله در زمینه ی بازارها، سبب شده است تا به رغم هزینه های گزاف، ایران تا آوریل ۲۰۱۰ نتواند، بازاری راهبردی و اطمینان بخش برای خود دست و پا کند.

بازار شبه قاره (خط لوله صلح)

خط لوله صلح (IPI)[1] به درازای ۲۷۰۰ کیلومتر، قرار بود تا پایان ۲۰۰۹، گاز صادراتی ایران را به میزان روزانه ۱۵۰ میلیون متر مکعب و سالیانه Bcm ۲۲، از مسیر پاکستان به هند برساند که ۹۰ میلیون متر مکعب برای هند و ۶۰ میلیون برای پاکستان در نظر گرفته شده بود. هزینه نهایی این خط لوله ۴/۵ تا ۷ میلیارد دلار برآورد شد؛ در آغاز ۲۰۱۰ کار لوله گذاری تا ایرانشهر به پایان رسیده و تا مارس ۲۰۱۰ به مرزهای ایران – پاکستان خواهد رسید. اما این خط که با هدف تسخیر بازار میلیاردی شبه قاره پس از بیست سال تلاش ایران به نتیجه رسید، از دیدگاه ژئوپلیتیک، دست کم دارای ۵ نقطه ضعف راهبردی است.

۱-استقرار فضای بحرانی پایدار یا رو به پایداری میان هند و پاکستان؛

۲-نا امنی فزاینده داخلی پاکستان به ویژه در محورهای شمال، باختر و جنوب باختری؛

۳-نا امنی خطرناک گذرگاه این خط لوله در بلوچستان ایران و ایالت بلوچستان پاکستان؛

۴- فقر کشورهای مقصد از دیدگاه پرداخت به موقع بهای گاز وارداتی؛ همین عامل ایران را وادار کرد تا ۳۵٪ تخفیف در عرصه گاز برای این کشـــور ها قایل شـــود (BBC, Persian, 1388)؛

۵-حل نشدن اختلاف ژرف پاکستان-هند بر سر قوانین تجارت؛ از جمله این دو کشور هنوز بر سر نرخ تعرفه گذر IPI حتی به توافق اولیه نیز نرسیده اند.

برای هند، پرداخت سالیانه صدها میلیون دلار برای نقش گذرگاهی به پاکستان سخت است (Pandian, 2005, p. 659-670). از دیدگاه هند، پاکستان می تواند این درآمد را خرج نوسازی ارتش خود کند.

مجموعه این عوامل به ویژه موفقیت دیپلماسی واشنگتن در دهلی نو مبنی بر کناره گیری هند در سال ۲۰۰۹ از IPI به نتیجه رسید و هند عملاً از این طرح خارج شد. چنان که به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، در آخرین نشست میان ایران – پاکستان در تهران به تاریخ

[1] . IPI: International pipeline peace

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

۸۸/۹/۱۱، هند حضور نداشت(www.dolat.ir, 88/9/11) . بدین ترتیب طرح یادشده و عملیات پرهزینه آن که تا اسفندماه ۱۳۸۸ در خاک ایران پایان یافت، با خروج هند به پایان ناکام خود رسید و یک بار دیگر ثابت کرد که انجام طرح های کلان اقتصادی بدون بررسی های علمی و دقیق ژئوپلیتیک، می تواند منجر به هدر رفتن سرمایه های ملی شود.

بازار عربی

جمهوری اسلامی ایران به منظور صدور گاز به کشور های جنوب خلیج فارس و سوریه، نشست هایی را با این دولت ها داشته است. از جمله در منابع معتبر، سخن از چند قرارداد یا تفاهم نامه و مذاکره به شرح زیر به میان آمده است:

۱. عمان: تلاش برای انجام قرارداد فروش Bcm/yr ۱۰ در سال. مذاکرات میان ایران-عمان، در سال ۲۰۰۸ به اوج خود رسید؛

۲. بحرین: در دسامبر ۲۰۰۷ برای فروش Bcm/yr ۱۰ به منامه، مذاکراتی به عمل آمد؛

۳. امارات متحده عربی: قرارداد برای فروش BCM/yr ۵ به مدت ۲۵ سال. در سال ۲۰۰۹ مذاکره ایران-امارات همچنان ادامه یافت؛

۴. کویت: مذاکره برای کشیدن خط لوله زیردریایی؛

۵. سوریه: قرارداد سال ۲۰۰۷ برای فروش BCM/yr ۳ از ۲۰۰۹ و از طریق خط لوله تبریز – آنکارا(LEA,2008,pp.30-34).

شرایط این قراردادها یا تفاهم نامه ها تا آن جا که به سوریه مربوط است و نیز منافع احتمالی اقتصادی آن، به مراتب بدتر از خط لوله صلح پیش بینی می شود. تجربه نشان داده است که سوری ها در این گونه معاملات با ایران، منافع ملی خود را بر هر چیز دیگر ترجیح می دهند و پرداخت بهای گاز از ناحیه دمشق قابل اطمینان نیست. اما فروش گاز به کشورهای جنوب خلیج فارس، در برگیرنده منافع و دستاوردهایی دوسویه خواهد بود؛ از جمله:

۱- پیوند لوله ای این کشورها به بزرگترین منبع گازی جهان (پارس جنوبی)

۲- فاصله اندک این کشورها با این میدان

۳- سرمایه گذاری اندک این کشورها در زمینه واردات به دلیل بند ب

۴- دریافت گاز در مرز آبی و در نتیجه سرمایه گذاری اندک لوله گذاری برای ایران

۵- پیامدهای مثبت برای ایجاد و پایداری فضای امنیت دسته جمعی در منطقه ای بحرانی

۶- رشد بالای اقتصادی این کشورها نسبت به هند و پاکستان

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

با وجود این برتری های نسبی، بازار خلیج فارس برای فروش گاز طبیعی ایران، نمی تواند بازاری محوری و استراتژیک به حساب آید، زیرا:

۱- بازاری کوچک مقیاس است.

۲- وابستگی صنایع داخلی این کشورها به یارانه های دولتی سبب شده تا این کشورها نتوانند خود را با قیمت های بین المللی تطبیق دهند. از سوی دیگر، حذف یارانه ها به ویژه حذف آن از سبد برق، زمینه کاهش روند تولید برق را مهیا خواهد ساخت. چنین فرایندی زمینه کاهش تقاضاها را فراهم می آورد. و قیمت پیشنهادی این کشورها در مقایسه با دیگر بازارها، پایین تر خواهد بود.

۳- عربستان، امارات و قطر، به عنوان دارندگان ذخایر بزرگ جهانی، رقیب ایران در این زمینه به حساب می آیند. ضمن این که هر سه کشور موقعیت جغرافیایی و سیاسی مناسب تری برای رقابت در این بازار نسبت به ایران دارند. در عین حال هر سه کشور اعضای شورای همکاری خلیج(فارس) بوده و از این دیدگاه نسبت به ایران در فروش گاز به بقیه ی اعضا دارای برتری سازمانی هستند.

بازار گاز مایع و مسایل آن

دولت قطر با برداشت غول آسا از مخازن مشترک با ایران، با پشت سر گذاشتن اندونزی در سال ۲۰۰۹ به بزرگترین تولید و صادر کننده LNG تبدیل شد. قطر تولید LNG خود را امسال (۲۰۱۰) به ۷۷ میلیون تن می رساند. این در حالی است که میزان تولید ایران در این مورد نزدیک صفر است(www.hamsharionline.com, 88/9/17). در حالی که نخستین محموله LNG صادراتی ایران شاید در سال ۲۰۱۴ بارگیری شود، قطر تا پایان امسال شمار ناوگان ویژه حمل گاز مایع خود را به ۹۰ فروند نسبت به ۱۷۰ فروند در کل جهان می رساند. این در حالی است که شمار شناورهای ویژه ی حمل گاز مایع ایران باز هم نزدیک به صفر است.

با وجود داشتن چنین توانایی هایی، رقابت ایران در بازار LNG با قطر، اندونزی، الجزایر، نیجریه و حتی رقیب تازه واردی به نام ترینیداد و توباگو، آسان نیست. نگاهی به چالش های ایران در این زمینه، شناخت بهتری از نقش آتی تهران به دست می دهد.

۱- ضعف سرمایه گذاری کلان مقیاس ایران در این زمینه؛

۲- کمبود و محدود بودن فاینانس پروژه ها؛

۳- نداشتن شناورهای لازم و مناسب ویژه حمل LNG؛

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

۴-عقب ماندگی آشکار نسبت به قطر، اندونزی، مالزی، الجزایر و حتی ترینیداد و توباگو؛
۵- تحریم ایران از نظر استفاده از فناوری Grass port که ارزانتر و باصرفه تر و با بازدهی بیشتر نسبت به فناوری APCI عمل می کند(ربیع گیلانی، ۱۳۸۸)، ورود صنعت گاز ایران به بازار جهانی LNG را با مشکل بزرگی روبرو ساخته است.
۶- محدودیت بازار LNG و مشکل تعهد خرید از سوی مصرف کنندگان.
۷-وجود رقیبان کلاسیک و قدیمی در بازار اروپا (Eurogas, 2008)؛
۸-وجود رقیبان تازه نفس و پرقدرتی چون قطر در بازار کره و ژاپن؛
۹-دور بودن ایران از کره و ژاپن نسبت به اندونزی و مالزی و در نتیجه بالا رفتن هزینه ها برای ایران و کاهش قدرت رقابت با این دو؛
۱۰-احتمال همراهی و هماهنگی کره، ژاپن، اروپا و ایالات متحده در تحریم های گسترده تر احتمالی علیه ایران.

عقب ماندگی ایران در بازار LNG نسبت به رقبا از جمله دولت قطر روشن است و حتی مورد تأیید تصمیم گیران سیاست انرژی جمهوری اسلامی است. به ویژه این که دست سیاست گذاران LNG ایران به دلیل نبود هرگونه تولیدی در این زمینه برای تصمیم سازی نسبت به بازارها، بسته است. از سوی دیگر، تا به نتیجه رسیدن برنامه های ایران برای تولید LNG و کسب برتری در این زمینه، تهران زمان زیادی را از دست می دهد.

بازار چین

احتمالا، چین حتی پس از خروج توتال فرانسه و دیگر سرمایه گذاران،به عنوان پشتیبان پایه ای در طرح پارس جنوبی ایران باقی می ماند. نگاه چین به منابع هیدروکربنی خلیج فارس و ایران، استراتژیک و دراز مدت است. چین تا سال ۲۰۰۸، دست کم ۴۵ درصد واردات نفت خود را از خلیج فارس تأمین کرد. همچنین چین تا ۲۰۱۵، دست کم ۷۰ درصد کل نیازهای انرژی خود را از این منطقه وارد خواهد کرد(Medvedev.A. 2009, pp. 135 – 137).

در ۲۰۰۷، قطر پس از اندونزی و مالزی که صادرکنندگان کلاسیک LNG به شمار می روند، به مجموعه فروشندگان گاز مایع به چین پیوست. قزاقستان نیز بازار هدف خود را چین قرار داده و در این زمینه به هدف های بزرگی دست یافته است (Bilignim, 2005). خط لوله گاز ترکمنستان – چین نیز در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۹ افتتاح شد و قرار است تا ۲۰۲۰، BCM ۴۲را به چین برساند. این خط لوله تا ۲۰۱۰ به نیمه راه می رسد (Wood, 2008).

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

در عین حال، نیاز چین به واردات گاز رشدی سرسام آور نخواهد داشت. زیرا دست کم تا ۳۰ سال آینده، سیاست انرژی پکن، همچنان ذغال-پایه خواهد ماند. چنان که در اجلاس دسامبر ۲۰۰۹ تغییر اقلیم کپنهاک، چین به عنوان بزرگترین تولید کننده گازهای گلخانه ای جهان، حاضر به همکاری مورد نظر اروپا – ایالات متحده و ژاپن برای کاهش سریع استفاده از زغال سنگ خود نشد و یکی از عوامل شکست این اجلاس بود.

بازار اروپا

هنگامی که در ژانویه ۲۰۰۶، روسیه برای تحمیل خواسته های سیاسی خود بر اکراین یا به هر دلیل دیگر، جریان گاز را در خط لوله گاز خود به اروپا قطع کرد، زنگ خطر برای این اتحادیه به صدا در آمد. این عمل در ژانویه ۲۰۰۹ نیز تکرار شد و تأییدی بر استراتژی چندوجهی کردن منابع تأمین گاز از سوی این اتحادیه شد (Elder, 2009). ایجاد خط لوله BTE میان آذربایجان – ترکیه، زمینه ای برای پروژه بزرگ نابوکو شد.

شرکت ائتلافی نابوکو در برگیرنده OMV اتریش، Botas ترکیـه، Bulgar gas بلغارستان، trans gas رومانی، mol مجارستان و RWE آلمان است. این شرکت در پی یافتن منابع گازی پایدار، امن و مطمئن برای تأمین گاز طبیعی برای اروپاست (Bilging, 2003).

تحقیقات گسترده نابوکو در این زمینه، منجر به شناسایی دو حوزه بزرگ خزر شامل آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و خاورمیانه شامل ایران، مصر و عراق شد. سپس بررسی های ژرف ژئوپلیتیکی از سوی نابوکو نشان داد که ترکمنستان و قزاقستان برای صدور گاز به اروپا، همچنان به خاک روسیه وابسته خواهند بود. این پدیده نقض غرض بوده و وابستگی ژئوپلیتیک اروپا به روسیه را در پی خواهد داشت. در عین حال گرایش ترکمنستان و قزاقستان بیشتر متوجه بازار چین است.

از سوی دیگر، ذخایر دلتای نیل در مصر در حدی که گاز اروپا را تأمین نماید، اندک برآورد شده است (APS, 2008). در عین حال هر دو سناریوی گذر خط لوله از خاک مصر به اردن، عراق و ترکیه و یا مصر، اردن، اسرائیل و ترکیه، تضمین کننده امنیت میان مدت و دراز مـدت این خـط لوله نیسـتند (Quinn and weaver, 2009). هم چنین استقرار فضای بحرانی در عراق به ویژه اختلاف فزاینده در زمینه چگونگی بهره برداری و صادرات منابع نفت – گاز، میان سه بخش کردنشین، عرب سنی نشین و عرب شیعه نشین، نابوکو را با کشوری دست کم سه پارچه با سه دیدگاه متفاوت روبرو کرده است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

جدول(۲) مصرف گاز طبیعی اتحادیه اروپا و پیش بینی ها (۲۰۳۰-۲۰۰۵)

	شهری و تجاری	صنعتی	تولید نیرو	سایر (NGV، دستگاههای گرمایشی و . . .)
2005	180	130	122	430
2010	185	133	166	480
2015	190	133	198	520
2020	195	190	210	556
2025	197	147	229	600
2030	199	166	233	620

Eurogas, 2007. Natural Gas Demand and Supply: Long term Outlook to 2030. November 16.

گرایش کردها بر فروش کمتر با قید و شرط نفت-گاز کردستان استوار است، در حالی که عرب های سنی به دلیل نداشتن منابع شناخته شده هیدروکربنی در منطقه سکونتشان، با این راهبرد مخالفند. شیعیان نیز پشتیبان تمرکز تصمیم گیری و ایجاد شرکتی یکپارچه زیرنظر بغدادند. در عین حال منابع گازی عراق تا رسیدن به شرایط تجاری و صدور زمانبرهستند. چنان که بر پایه خوش بینانه ترین سناریوها، عراق تا ۲۰۱۴، توانایی مشارکت در پروژه نابوکو را نخواهد داشت (Radikal, 2009, p. 4).

جمهوری آذربایجان دارای موقعیت خوبی در این زمینه است؛ اما نخست آن که آذربایجان در خوش بینانه ترین حالت، نمی تواند بیش از ۴۰ درصد نیازهای خط لوله مورد نظر نابوکو را تامین سازد، دوم آن که، تهدید روسیه همچنان به قوت خود باقی است. ضمن این که اختلاف و کشمکش سه جانبه آذربایجان، ترکمنستان و ایران در خزر جنوبی، فضای ناامنی را برای سیاست انرژی باکو مهیا کرده است. اختلاف و کشمکشی که می تواند در دراز مدت پای مسکو را به سوی آن باز کند. نابوکو با آگاهی کامل از این روند، در یک جمع بندی استراتژیک، آذربایجان را یک پای خط لوله مورد نظر که جانشین یا کمک کننده خط ترانسپرت روسیه – اروپا است، به حساب می آورد. این در حالی است که ایران تمام شاخص های مناسب را برای تأمین گاز اروپا در بردارد (Bilgin, 2009).از جمله:

۱- پیوند لوله ای ایران – اروپا از منظر گذرگاهی، فاقد پیچیدگی های ژئوپلیتیکی حوزه خزر و بقیه خاورمیانه است؛

۲- ذخایر گاز ایران قابل قیاس با آذربایجان، مصر، عراق و حتی قرقیزستان نیست؛

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

۳-نزدیکی ایران – اروپا با وجود تحویل گاز در ارزروم ترکیه، هزینه سرمایه گذاری را نسبت به بقیه پروژه ها کاهش می دهد؛

۴-در مسیر پیوند گازی ایران – اروپا، تنها یک راهگذر تا اروپا وجود دارد. در برابر دو راهگذر برای آذربایجان و سه راهگذر برای مصر و ۲ تا چهار راهگذر برای ترکمنستان و قزاقستان؛

۵-از دیدگاه شاخص های ژئوپلیتیک، امن ترین راهگذر به شمار می رود؛

۶- قیمت های پایین تر تولید گاز ایران نسبت به سایرین و افزایش قدرت چانه زنی اروپا برای تعیین بها.

اما بازار اروپا برای ایران بنا به ملاحظات زیر، بازاری هدف و محوری است؛ زیرا:

۱-بازاری توسعه یافته، پایدار، امن و همیشگی محسوب می شود؛

۲-وابستگی اروپا به منابع گازی ایران، زمینه و بستر پشتیبانی بین المللی از امنیت ملی کشورمان را مهیا خواهد ساخت؛

۳- پیوستن ایران به این بازار، جبران کننده عقب ماندگی از قطر در میدان مشترک خواهد بود؛

همچنین بر سر پیوستن ایران به نابوکو چند مشکل سایه انداخته است:

۱-اعتماد سازی در زمینه برنامه هسته ای، نخستین چالش ایران – اروپا برای همکاری و هماهنگی در تمام زمینه های راهبردی است؛

۲-اعتماد سازی ایران در زمینه توانایی تولید پایدار در حد تأمین نیازهای گازی اروپا؛

۳-سازش ایران – ترکیه بر سر تعرفه گذرگاهی و نیز درصد برداشت آنکارا از حجم کل گاز صادراتی؛

۴-سازش با نابوکو بر سر بها و مدت قرارداد؛

۵- پیشی گرفتن از جمهوری آذربایجان و نیز رقابت با غول گازی جهان: گازپروم؛

۶-ایستادگی جمهوری اسلامی ایران در برابر فشارهای احتمالی غیر مستقیم روسیه. مسکو همواره برای دور کردن استراتژیک ایران برای دسترسی به بازار گاز اروپا، مشوق طرح های تهران در خط لوله گاز IPI یا ایران-چین بوده است. مسکو می خواهد ایران با نگاه به شرق، غرب را فراموش کند.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

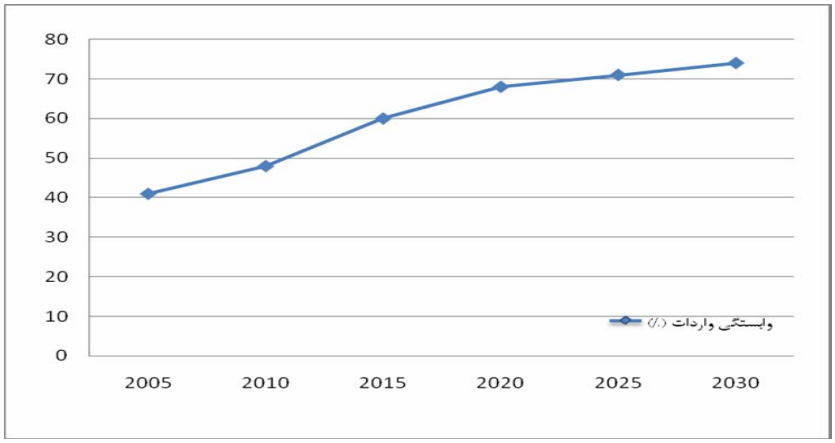

شکل (۳) نمودار وابستگی واردات گاز طبیعی اروپا

(Eurogas, 2007. Natural Gas Demand and Supply: Long term Outlook to 2030. November 16.)

ایران با داشتن منابع غنی و قیمت های پایین تر تولیدی به ویژه از دیدگاه نیروی کار، بهترین بازار برای تأمین گاز اتحادیه اروپایی است (Bilgin, 2009). به اغلب احتمال اروپا ممکن است در وهله ی نخست آذربایجان و عراق را به عنوان تأمین کننده در سیستم گازی خود انتخاب کند، اما سپس ناگزیر به ایران روی خواهد آورد.

نتیجه گیری

ایران برای رهایی از وابستگی نزدیک به مطلق به درآمد ارزی نفت خام و چند وجهی کردن این درآمدها، بهره برداری مناسب از بزرگترین میدان گاز طبیعی جهان (مشترک با قطر)، به دست آوردن یک پشتیبان بزرگ جهانی نسبت به تأمین امنیتش و نیز دستیابی به سرمایه های کلان برای بخش های نفت، گاز و پتروشیمی، می باید اروپا را بازار هدف CNG قراردهد. بر پایه شاخص های ژئو اکولوژی بازارها، چونان امنیت، گنجایش، پایداری و توسعه یافتگی ومساله فاصله و هزینه ها، بازار اروپا نسبت به بازارهای شبه قاره، خلیج فارس و چین، برتر است. اما تا جایی که به بازار LNG برمی گردد، ایران ناگزیر است حداکثر ۳ تا ۴ سال آینده سامانه های مناسب مایع کردن، ناوگان، تخصص ها و بازارهای هدف را برای جبران عقب ماندگی نسبت به

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

قطر، سر و سامان دهد. کره و ژاپن و در مرتبه بعد بازارهای اروپای جنوبی، چین و ایالت متحده به ترتیب باید اولویت های ایران باشد.

اما لازمه دستیابی به این ساز و کار، تصمیم راهبردی جمهوری اسلامی برای قطع روند رو به گسترش تحریم های بین المللی و رهایی از انزوا خواهد است. تصمیمی که نیازمند دگرگونی کلی در اندیشه استراتژیک و جهت گیری نظام است.

منابع و ماخذ

۱. ربیع گیلانی، مریم(۱۳۸۸) **بررسی نقشه های ایران در بازار LNG تا سال ۲۰۲۰**، استاد راهنما: حمید ابریشمی، پایان نامه برای دریافت کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد-اقتصاد انرژی

http://www.safirnews.com/news/002451.php

۲. نقل از : مصاحبه معاون مدیر عامل شرکت ملی گاز ایران، ۲ اذر ۱۳۸۸

http://www.khabaronline.iR/news-28552.aspx

۳. نقل از مصاحبه معاون وزیر نفت جمهوری اسلامی در ۱۶ آذر ۱۳۸۸

http://www.shana.ir/148740-fx.html

۴. نقل از سخنرانی مدیر گازرسانی شرکت ملی گاز ایران در ۱۹ آبان ۱۳۸۸

Http: //www.sarmayeh.net/shownews.php.?۵۶۱۷۶

۵. ۱۳۸۸/۶/۷

http://www.tabnak.ir/fa/pages,?cid=1580 ۱۳۸۸/۶/۵

http://dolat.ir/nsite/fulstory/?cid=18236

۶. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت ۱۳۸۸/۹/۱۱

http://hamshahrionline.com ۱۳۸۸/۹/۱۷

http://www.bbc.co.uk/persian/business, ۲۰۰۹, ۱۰/ ۰۹۱۰۲۵

۷. نقل گزارش از مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

http://itan-igc.ir/?id ۱۳۸۵ /۷/۱۵ .۸

APS, (2008) ***Egyptian LNG & P/L Gas Export May Exceed 50 BCM/Y 2015***. APS Review Oil Market Trends. January 14th.

http://goliath.ecnext.com/coms2/gi_2009-7269859/Egyptian-Ing-p-l-Gas.html, accessed on June 10th 2008.

Bilgin, M. (2005) ***Eurasian ENERGY WARS***. IQ Publishing Istanbul, 382 p.

Bilgin, M. (2009) ***Geopolitics of Eroupean natural gas demand: supplies from Russia, Caspian and middle East; Energy policy*** (2009), doi: 10, 1016/y.enpol.2009,05.070.

ELA, (2008) ***International Natural Gas Resources***

Elder, M., (2009) ***Behind the Russia-Ukraine gas conflict. Business week***, January 3rd.

Eurogas, (2007) ***Natural Gas Demand and Supply: Long term Outlook to 2030***. November 16.

http://bbc.persian.com 1388/5/8

http://energytribune.com/articles.cfm?aid=866, accessed on June 10th 2008.

http://www.buisinessmonitor. 2008/7/9

http://www.businessweek.com/globalbiz/content/jan2009/gb2009013_045451.htm?campaign_id=rss.daily, accessed on January 7th 2009.

http://www.eegas.com/revenue2009e.htm, accessed on April 27th 2009.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

http://www.eia.doe.gov/oil_gas/info_glance/natural_gas.html, accessed on January 7th 2009.

http://www.eurogas.org/uploaded/Eurogas%20long%20term?%Outlook%20%202030.pdf, accessed on May 22, 2009.

http://www.Reuters.com/artivle/BOKEER/Idusl1684472920080116, accessed on January 7th 2009.

http://www.thedailynewsegypt.com/articles.aspx?ArticleID=15086 , accessed on January 7th 2009.

Korchemkin, M., (2009) ***In H2-2009, the average price of European export of Gazprom is likely to drop below $180/mcm. East European gas analysis***. January 4th.

Kreyenpubl, T. (2007) ***Iran-Turkey gas deal gives new hope for EU Nabucco pipeline. World Politics Review Exclusive***, October 09th.

http://www.worldpoliticsreview.com/article.aspxid=1220, accessed on June 2008.

LEA, (2008) ***Directorate of Global Energy Dialogue: Perspectives on Caspian oil and Gas Development*** . IEA and OECD Publications, Paris, 69 p.

Lise W., Hobbs, B.F., van oostvoorn, F. (2008) ***Natural gas corridors between the EU and its main supplies: simulation results with the dynamic GASTALE model***. Energy policy 36(6), 1890-1906.

May, T. (2008) ***Joint energy project signals strengthening Egypt***, Libyaties. Daily news Egypt, July 15th,

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

Mededev, A. (2009) ***Global Energy markets. Robust performer in times of market turmoil***. OSJC Gazprom Investor Day Presentation, Moscow, February.

Pandian, S. (2005) ***the political economy of trans-Pakistan gas pipeline project: assessing the political economic risks for India***. Energy Policy 33(5), 659-970.

Queen, B., Weaver, M. (2009) ***Tens of thousands in London protest Gaza offensive***. The Guardian, January 3rd. http://www.guardian.co.uk/world/2009/jan/03/gaza-israel-protest-shoes-london, accessed on January 7th 2009.

Radikal , (2009) ***Irak Nabucco'yu kurtaracak projey kutlerle diye izin vermadi***. Radikal, May 19th.

Remme, U., Blest, M., FAhl, U.(2008) ***Future European gas supply in the resource triangle of the former Soviet Union, the Middle East and Northern Africa***. Energy policy 36 (5), 1622-1641.

Reuters, (2008) ***Foreign investment in Iran from 2000-2007, Reuters*** January 16th.

Stulberg, A. N. (2005) ***Moving beyond the great game: The geo-economics of Russia's influence in the Caspian Energy bonanza***. Geopolitics 10 (1), 1-25.

Wood, D. (2008) ***Reliable gas? Not for Iran, Turkey, Europe***. Energy tribune April 18th.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]